

در سه شماره گذشته چند میث کلی را مرور کردیم؛ مثل اینکه اصلاً نوشتن به چه دردی می‌خورد، چطور بهتر بنویسیم و چطور بهتر کتاب بخوانیم. گفتیم که نوشتن شکل‌ها و قالب‌های متفاوتی دارد و داستان‌نویسی فقط یک شکل از نویسندگی است. مثلاً کسی که برای یک وبگاه (سایت) محتوای متنی تولید می‌کند و مقاله‌های علمی یا تبلیغاتی می‌نویسند هم نویسنده است، ولی داستان‌نویس نیست.

در چند شماره آینده می‌خواهیم فقط درباره داستان‌نویسی صحبت کنیم. البته دنیای داستان‌نویسی آن‌قدر گسترده است که برای شناخت آن باید سال‌ها وقت بگذاریم و کتاب‌های زیادی بخوانیم. فعلاً فقط می‌توانیم به چند سؤال مهم جواب بدهیم و به اشتباه‌های رایج داستان‌نویسان نو قلم اشاره کنیم.

داستان

نویسی

مهارت
نویسندگی

اصلاً داستان چی هست؟

چه سؤال سختی! از آن سؤال‌هایی که به نظر ساده‌اند، ولی جواب‌های زیادی به آن‌ها داده‌اند. مهم‌ترین اشتباه نویسندگانی نو قلم هم در این مورد است. یعنی متنی می‌نویسند به خیال اینکه داستانی نوشته‌اند. ولی چیزی که نوشته‌اند در قالب داستان نیست. یا قصه است، یا متن ادبی، یا خاطره و یا ... خلاصه هر چیزی جز داستان. ما اینجا فرصت نداریم که تمام قالب‌های دیگر را بررسی کنیم. درباره داستان حرف می‌زنیم و سعی می‌کنیم مرزهای قالب داستان را مشخص کنیم.

■ در داستان حتماً «تخیل» وجود دارد. یعنی حتماً بخشی از داستان - یا تمام آن - ساخته و پرداخته خیال نویسنده است. متنی که در آن تخیل نباشد، یا خاطره است، یا تاریخ و یا ...

■ در داستان عنصر «تعلیق» را داریم. یعنی وقتی داستانی را می‌خوانیم، مرتب از خودمان می‌پرسیم که «بعد چه می‌شود؟» و آن‌قدر برای دانستن سرنوشت آدم‌های داستان کنجکاوی می‌کنیم که به انتهای متن برسیم. هر چه نویسندگانی توانا تر باشند، بهتر می‌توانند خواننده را درگیر کند و او را تا انتهای داستان بکشاند.

■ در داستان جزئیات اهمیت زیادی دارند و روایت را پیش می‌برند. بله، در داستان هر چیزی مهم است. همه رفتارهای آدم‌ها، فضا و محیط اطراف، تک‌تک کلمه‌هایی که آدم‌ها می‌گویند،

بوها و صداها، وسایل و ... خلاصه تمام کلمه‌ها در داستان اهمیت دارند و نویسنده باید به آن‌ها فکر کند.

■ داستان حتماً خواننده را احساساتی می‌کند. یعنی خواننده در پایان داستان یا خوش حال است، یا غمگین است، یا ترسیده است، یا از یک کشف تازه هیجان‌زده است. چون داستان یک متن ادبی است و این قدرت را دارد که احساسات خواننده را تحت تأثیر قرار دهد.

شناخت مرزهای داستان بسیار مهم است. بارها دیده‌ام، کسی یک متن ادبی یا یک خاطره می‌نویسد و آن را در کلاس و برای یک استاد داستان‌نویسی می‌خواند و منتظر است که تشویق شود؛ در حالی که اصلاً داستانی ننوشته است.

موضوع‌های داستان را از کجا بیآوریم؟

این اولین مشکلی است که در ابتدای راه داستان‌نویسی با آن مواجه می‌شوید. اما نگران نباشید، این مشکل همه نویسندگانی است. هر چه تجربه بیشتری به دست بیآورید، در موضوع‌یابی هم ماهرتر خواهید شد.

در ابتدای راه داستان‌نویسی حتماً از چیزهایی بنویسید که می‌شناسید. سراغ آدم‌ها، فضاها و اتفاقات غریبه و جدید نروید. چون همان‌طور که گفتیم در داستان جزئیات اهمیت زیادی دارند. چطور می‌توانید جزئیات شهری را توصیف کنید

موضوع نویسی

که هیچ وقت آن را ندیده‌اید؟ یا مسئله‌ای را خیلی دقیق برای خواننده شرح بدهید، در حالی که با گوشت و پوست خودتان آن را حس نکرده‌اید؟ یکی از اشتباه‌های خیلی رایج داستان‌نویسان جوان این است که بلندپروازی می‌کنند. تصور می‌کنند اگر از اتفاقات عجیب و سرزمین‌های دور بنویسند، داستان بهتری نوشته‌اند. در حالی که بهترین موضوع‌ها اطراف خودتان هستند؛ در خانه و روستا و شهر خودتان؛ در زندگی، نزدیک‌ترین آدم‌هایی که می‌شناسید؛ اصلاً در درون خودتان.

برای خواننده تصویر کرده است. از کجا شروع کرده و چطور تمام کرده است. و به این فکر کنید که اگر شما بودید، با آن موضوع چه می‌کردید. اگر خیلی زیرک باشید می‌توانید با همان موضوع داستان جدیدی بنویسید؛ البته به روش خودتان. بعد مقایسه کنید و نقاط ضعف خودتان را بیابید. در سن و سال شما داستان‌های کوتاه آنتوان چخوف بهترین گزینه‌اند. چخوف نویسنده بسیار بزرگی است که همیشه می‌توانید از داستان‌هایش درس بگیرید.

برای تبدیل موضوع‌ها به داستان، شناختن عناصر داستان هم خیلی اهمیت دارد. مثل چه چیزهایی؟ مثل پیرنگ، شخصیت‌پردازی، توصیف، دیالوگ، زاویه دید، شروع و پایان، کشمکش و ... درباره هر کدام از این‌ها می‌توان مفصل صحبت کرد، ولی فضای محدود مجله اجازه این کار را نمی‌دهد.

در شماره‌های بعد سعی می‌کنم درباره مهم‌ترین عناصر داستانی صحبت کنم و باز از اشتباه‌های رایج نو قلمان برایتان بگویم.

بقیه‌اش را باید خودتان در کتاب‌های آموزشی بخوانید یا از معلمان داستان‌نویسی یاد بگیرید.

چطور موضوع‌هایمان را به داستان تبدیل کنیم؟

تمام هنر داستان‌نویس همین‌جاست. نویسنده خوب می‌تواند از یک ایده ضعیف داستانی فوق‌العاده بنویسد. نویسنده ضعیف هم ممکن است بهترین موضوع‌های داستانی را خراب کند. کلید این مسئله «تجربه» است. هر چه بیشتر داستان بنویسید و داستان‌های خوب دنیا را بخوانید، در این کار ماهرتر خواهید شد.

وقتی داستانی درجه یک از نویسنده‌ای بزرگ را می‌خوانید، به آن فکر کنید. آن را چند بار بخوانید. ببینید نویسنده با موضوعی که داشته چه کار کرده است. چطور آن را

راه‌های ارتباطی شما برای فرستادن متن و داستان، رایانه‌نامه مجله است به نشانی:
rojavan@roshdmag.ir
یا شماره پیامک ۳۰۰۰۸۹۹۶۹۶